

مؤلفه‌های سعادت دنیوی و اخروی از دیدگاه قرآن کریم^۱

سید لطف‌الله جلالی^۲

چکیده

سعادت از مهم‌ترین آرزوها و دغدغه‌های انسانی است و موضوع بحث مکاتب گوناگون فکری بوده است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مسأله مؤلفه‌های سعادت از دیدگاه قرآن کریم پرداخته است و با توجه به واژگان و مفاهیم مرتبط با سعادت در این کتاب مقدس و نیز عنایت قرآن کریم به حیات دنیوی و اخروی، این مؤلفه‌ها را در سه دسته مؤلفه‌های سعادت در دنیا، مؤلفه‌های سعادت در آخرت و مؤلفه‌های مشترک میان سعادت دنیوی و اخروی در قرآن کریم بررسی نموده است. سلامت جسمانی و روحانی، بهره‌مندی از نعمت‌های گوناگون دنیوی و مادی، برخورداری از قدرت و حکومت و پیروزی بر دشمن، نجات از ظلم و حکومت ظالمان و برخورداری از جامعه‌ای صالح، مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت در دنیا از منظر قرآن کریم است. نجات از عذاب جهنم و ورود به بهشت، برخورداری از حیات جاودانه و نعمت‌های بهشتی، سنگینی ترازوی اعمال، شادمانی و سرور ویژه در آخرت و قرب الی‌الله نیز از مؤلفه‌های سعادت در آخرت، در منظر قرآنی است. چنانکه برخورداری از ایمان و حیاتی مؤمنانه، بهره‌مندی از فضل و رحمت الهی، بهره‌مندی از رضامندی و رضوان الهی، دست‌یابی به هدایت الهی، برخورداری از یقین و اطمینان، شادی، نشاط و خرسندی، برحذر بودن از ناپاکی‌های و دست‌یابی به حیات طیبه و برخورداری از علم و دانش، از مؤلفه‌های مشترک سعادت در دنیا و آخرت در دیدگاه قرآن کریم است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، سعادت دنیوی، سعادت اخروی، مؤلفه‌های سعادت.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۰

۲. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. sl.jalali@yahoo.com

مقدمه

سعادت، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و آرزوهای انسان است. رسیدن به سعادت در هر امری از امور حیات انسانی، برای وی مطلوب است؛ از این رو، هر انسانی به اندازه درک و فهم خویش به دنبال سعادت است، چنانکه فیلسوفان و دانشمندان مکاتب مختلف، درباره سعادت انسان و راه‌های رسیدن به آن و نیز درباره موانع آن، بسیار سخن گفته‌اند. سعادت، چیستی و مؤلفه‌های آن، عوامل دست یافتن به سعادت و موانع بر سر راه رسیدن به آن، انواع و گونه‌های سعادت و ویژگی‌های انسان‌های سعادت‌مند از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که در بحث سعادت باید مد نظر قرار گیرد. در عین حال که سعادت از امور عینی حیات انسانی است، اما چنانکه درباره خود انسان، بحث‌های نظری بسیاری وجود دارد، درباره سعادت انسانی نیز مباحث نظری بسیاری وجود دارد و چه بسا دست کم در تعریف سعادت، مباحث ذهنی و انتزاعی نیز مطرح است؛ از این رو، متفکران و اندیشمندان از دیرباز به مسئله سعادت توجه داشته و آن را به بحث نهاده‌اند. بر این اساس، در بحث از سعادت رویکردها و نگرش‌های گوناگونی وجود دارد که در تعیین جهت بحث، متفاوت است و ممکن است تفاوت‌های اساسی در سرنوشت بحث به وجود آورد.

تردیدی نیست که همان‌گونه که مکاتب گوناگون الهی و الحادی، تعاریف گوناگونی از خود انسان دارند، نگرش آنان به سعادت انسانی نیز متفاوت است و بسته به اینکه انسان را چگونه موجودی بدانند، تعریف آنان از سعادت نیز متفاوت خواهد بود؛ از این رو، توجه به بحث سعادت انسانی از منظر ادیان گوناگون، ضرورتی ویژه می‌یابد و در این میان بررسی منظر ادیان الهی به مسئله مهم سعادت، اهمیتی مضاعف خواهد داشت. بر این اساس، در این نوشتار، در صددیم با مراجعه به قرآن کریم به شیوه توصیفی-تحلیلی به بحث از مؤلفه‌های سعادت در قرآن پردازیم. تردیدی نیست که بحث کامل درباره‌ی سعادت از منظر قرآن کریم و به ویژه بررسی راه‌های تحصیل سعادت و عوامل رسیدن به آن، مجال وی‌واسع می‌طلبد؛ از این رو، تمرکز این نوشتار بر مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآن کریم است و البته پیش از آن، مفهوم‌شناسی کاملی نیز می‌طلبد. بنابراین، در ابتدا مفهوم سعادت و واژگانی را که در قرآن کریم در ارتباط

با سعادت به کار رفته یا به طور منطقی، می‌توان آن‌ها را به سعادت مرتبط دانست، بررسی می‌کنیم و سپس به بحث از مؤلفه‌های سعادت خواهیم پرداخت. تردیدی نیست که بررسی مفاهیم و واژگان مرتبط در حقیقت، بخشی از بحث مؤلفه‌ها را تشکیل خواهد داد.

۱. مفهوم‌شناسی سعادت

نکته‌ای که در مفهوم‌شناسی واژه‌ی سعادت یا واژگان مرتبط با آن باید در نظر داشت، این است که ایضاح مفهومی چنین واژگانی سهل و ممتنع به نظر می‌رسند؛ از یک سو، تصور می‌شود چنین مفاهیمی از بدیهیات تصویری بشری است که هر انسانی بسته به درک خود از وجود، وضعیت و حیات خود، سعادت را می‌شناسد و همواره به دنبال آن یا دست‌کم در آرزوی آن است. بنابراین، در ابتدای امر، تصور می‌شود این گونه مفاهیم، آشکار و بی‌نیاز از توضیح و تعریفند، اما با دقت بیشتر در محتوا و مفاد آن، در می‌یابیم که تصور اولیه، نه تنها بدیهی نیست، بلکه فوق‌العاده تاریک و مبهم است. بر اساس همین دوگانگی در تبیین مفهوم سعادت، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده و حتی در تعریف مفهوم لغوی آن، لغت‌شناسان در فرهنگ ادبیات عربی، شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی را پیموده‌اند و این تمسک به شیوه‌های مختلف، حکایت از دشواری تعریف و تبیین مفهوم سعادت دارد.

در تعریف لغوی واژه «سعد»، برخی زبان‌دانان عرب با استفاده از روش تعریف به ضدّ، از راه تعریف به ضدّ، به توضیح این مفهوم پرداخته و سعادت را ضد «نحوست» دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق؛ فیومی، ۱۴۲۵ق، ذیل ماده سعد). چنانکه دیگری با استفاده از همین روش، آن را ضد «شقاوت» دانسته است (طریحی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده سعد). برخی دیگر از لغت‌دانان افزون بر استفاده از روش تعریف به ضد، با استفاده از روشی ثبوتی و توضیح واژه با واژه‌ای دیگر، برابرنهاده‌ای برای آن در نظر گرفته‌اند. ابن منظور، در عین حال که سعادت را مفهومی «ضد نحوست و شقاوت» تعریف کرده، معنای «یمن» را برای آن در نظر گرفته و آن را مرادف یمن و میمنت دانسته است (ابن منظور، بی‌تا، ذیل ماده سعد).

به نظر می‌رسد در میان لغت‌دانان مشهور، ابن فارس، توضیح بیشتر و بهتری برای واژه سعادت

دارد؛ وی همچون ابن منظور، هر دو روش تعریف به ضد و تعریف به برابر نهاده‌ای مثبت را به کار برده و در روش تعریف به ضد، آن را ضد نحوست دانسته و در معنای اثباتی که برای آن ارائه کرده است، علاوه بر یمن، از واژه‌های «خیر» و «سرور» نیز بهره برده است. از دید وی، سعادت، «ضد نحوست و به معنای خیر و سرور و یمن» است. بنابراین، از تعریف او به دست می‌آید که سعادت، مرکبی از خیر و سرور و میمنت است؛ اما در این میان، میمنت را عنصر اصلی سعادت می‌داند. او در توضیح خود اضافه می‌کند که چون میمنت عنصر اصلی سعادت است، به همین دلیل، به یکی از بهترین گیاهان چراگاه، «سُعدان» و به ستارگان خوش‌یمن، «سَعَد» گفته می‌شود. ایشان با توجه بیشتر، به عنصر دیگری در معنای سعادت توضیح می‌دهد که در ریشه «سَعَدَ» مفهوم تقویت، مساعدت، همیاری و معاونت نیز نهفته است و به همین جهت به قسمت میان آرنج و مِج دست، «سَاعِد» می‌گویند؛ زیرا با این بخش از دست، فرد بر امور خود نیرو می‌گیرد، چنانکه به همکاری و همیاری و معاونت بر امور، «مساعدت» اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده سعد).

راغب اصفهانی نیز همچون ابن منظور و ابن فارس، هر دو روش تعریف به ضد و روش اثباتی را در پیش گرفته است. دیدگاه اصفهانی در توضیح مفهوم سعادت بسیار نزدیک به دیدگاه ابن فارس است، اما کوشیده است در عین اختصار، معنایی جامع‌تر و روشن‌تری از آن ارائه دهد و به خصوص، جنبه دینی و الهی آن را مد نظر قرار دهد. وی دو مفهوم خیر و معاونت را عناصر اصلی سعادت دانسته؛ اما آن را به معنای هرگونه معاونتی نمی‌داند، بلکه مقصود از معاونتی که در مفهوم سعادت منظوری است، معاونت الهی است. ایشان با کنار هم نهادن مفهوم خیر و معاونت، بر این باور است که سعادت به مفهوم همیاری امور الهی با انسان برای رسیدن به خیر است و البته این سعادت، ضد شقاوت است. در نظر راغب، مساعدت نیز که از مشتقات سعادت است، به معنای معاونت است؛ یعنی معاونت در کسب آن چه مایه‌ی سعادت است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۹۱). به نظر می‌رسد در تبیین مفهوم لغوی مفهوم سعادت، تبیین ابن فارس تعریفی جامع است؛ اما تبیینی که راغب ارائه کرده است، بسیار مهم‌تر، روشن‌تر، جامع‌تر و اثرگذارتر است.

افزون بر توجه به تبیین‌های مفهومی‌ای که لغت‌دانان برای سعادت ارائه کرده‌اند، پیش از ورود به بحث مؤلفه‌های سعادت در قرآن کریم، لازم است به طور گذرا به پاره‌ای از تعاریفی که مهم‌ترین فیلسوفان، از این مفهوم به دست داده‌اند، نیز توجه کنیم. بر اساس تعریفی که خواجه نصیرالدین طوسی به حکمای یونان باستان نسبت داده است، سعادت عبارت است از کسب فضایل چهارگانه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۸۳). بر این اساس، سعادت با مفهوم دیگری به نام فضیلت گره می‌خورد، چنانکه بر اساس تعریف منقول از افلاطون، او نیز سعادت را به زندگی توأم با فضیلت معنا کرده است (عامری، ۱۳۳۶، ص ۹)، اما در میان فیلسوفان متقدم، شاید ارسطو بیش از دیگران به این امر توجه کرده و تعاریفی مختلف از سعادت به دست داده است. بر اساس نقل ابن مسکویه رازی از ارسطو، وی سعادت را با مفهوم «خیر» پیوند داده و آن را به «افضل خیرات و غایت خیرات» و نیز «شریف‌ترین مراحل خیر و بالاترین مراتب آن» تعریف کرده است (رازی، ۱۳۸۱، ص ۸۵). ابونصر فارابی نیز به تبعیت از ارسطو، سعادت را خیر مطلوب لذاته تعریف می‌کند که خود غایت قصوا است و بالاتر از آن، چیزی وجود ندارد (فارابی، ۱۹۶۸، ص ۱۰۱). همچنین، بر اساس تعریفی که از خود ارسطو در اخلاق نیکوماخوس در دست است، وی سعادت را مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی و عملی می‌داند. در بُعد عملی، او مجموعه افعال نیک، کامل و توأم با موفقیت و لذت نفس را سعادت می‌شمارد و در بُعد علمی، فعالیت عقلانی و متأملانه همراه با کمال و فضیلت را سعادت می‌داند و البته سعادت عقلانی را برتری داده و در عین حال تأکید دارد که سعادت کامل در حیات عملی و تأملی هر دو است (ارسطو، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۲۴۰، ۱۸). او برای توضیح مقصود خود از این تعریف، از سه مفهوم فضیلت عقلانی، فضیلت خلقی و موفقیت استفاده کرده است. مقصود او از موفقیت، همان خیرهای بیرونی (یعنی ثروت، سلامت بدن و حواس، نیک‌نامی، اصالت خانوادگی، داشتن فرزندان شایسته، زیبایی بدنی و اقبال و بخت) است که مکمل موفقیت و کامیابی هستند (همان، ص ۲۴).

در این میان، علامه طباطبایی در عبارتی موجز، در عین حال که به روش تعریف به ضد

نیز توجه داشته و سعادت را مقابل شقاوت قرار داده است، سعادت هر چیزی را رسیدن به خیر می‌داند که به واسطه آن کمال می‌یابد و از آن لذت می‌برد؛ بنابراین، سعادت انسان را رسیدن به خیر متناسب با قوای بدنی و روحانی او به حساب می‌آورد که از آن متنعم شده و لذت می‌برد. بر این اساس، وی سعادت را با خیر تعریف می‌کند، اما در تمایز میان خیر و سعادت، سعادت را خیر خاص نوع یا شخص می‌داند؛ در حالی خیر از این است (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۱، ص ۱۸).

با توجه به تعاریف ذکر شده، می‌توان تصویری اجمالی از سعادت از دیدگاه فیلسوفانه به دست آورد که عناصر و مؤلفه‌هایی چون خیر، فضیلت، عقلانیت، لذت، شادمانی، کامیابی و موفقیت در زمینه‌های گوناگون مادی و روحانی از جمله در کسب نیک‌نامی، ثروت، سلامت و غیر آن‌ها در آن دخیل است. اکنون با نگاهی اجمالی به تبیین‌های لغت‌شناسان در توضیح مفهوم لغوی سعادت و اجمالی از دیدگاه برخی از فیلسوفان و متفکران و تصویری که از مفهوم سعادت هم در معنای لغوی و هم در معنای فلسفی آن، به دست آمد، می‌توانیم با مراجعه به متن قرآن کریم، مؤلفه‌های سعادت را از منظر این کتاب مقدس استخراج کنیم تا بتوانیم به مفهومی روشن از سعادت از منظر قرآنی، دست یابیم.

برای دست یافتن به مقصود فوق، ابتدا مناسب به نظر می‌رسد به واژگان و مفاهیمی که در معنای سعادت یا مرتبط با آن در قرآن، به کار رفته است و یا دست کم می‌توان آن را با سعادت مرتبط دانست، توجهی مبذول داریم. نگارنده بر این باور است که با توجه به این مفاهیم و موارد کاربرد آن‌ها، می‌توان به مؤلفه‌های سعادت دست یافت. به تعبیر دیگر، واژگانی که در این زمینه و سیاق به کار رفته‌اند، در حقیقت مؤلفه‌های سعادت را تشکیل می‌دهند. از این رو، ابتدا فهرست وار به این واژگان توجه داریم و سپس وارد بحث اصلی خواهیم شد.

۲. مفاهیم و واژگان مرتبط با سعادت در قرآن کریم

با عنایت به نکات پیش‌گفته، برای دست یافتن به مؤلفه‌های سعادت، توجه به این نکته لازم است که در قرآن کریم، افزون بر استفاده از خود واژه‌ی سعادت یا مشتقات آن، از واژگان

بسیار دیگری نیز استفاده شده که می‌توان آن‌ها را مرادف سعادت یا مرتبط با آن در نظر گرفت؛ واژگانی چون خیر، فلاح، فوز، مفازه، نضر، سرور، فرح، رضا، نجات و خلاص که در قرآن کریم به کار رفته است که مشتقات این واژگان را نیز باید مورد توجه قرار داد (ر.ک. آل عمران: ۱۸۸؛ احزاب: ۷۱؛ لقمان: ۵؛ مائده: ۳۵). با مراجعه به قرآن کریم، ممکن است بسیاری از این مفاهیم را از لوازم یا از مؤلفه‌های سعادت تلقی کرد. در این مجال، ذکر تفصیلی آیات شامل این واژگان و نیز مشتقات آن‌ها و توضیح مفهومی آن‌ها، هرچند که می‌تواند تا حدودی فضای بحث را روشن‌تر سازد، ولی از وسع این نوشتار خارج است، اما در ذیل بحث از مؤلفه‌های سعادت، بالطبع، بخشی از این آیات ذکر خواهد شد. بنابراین، با دقت در این مفاهیم و واژگان و نیز عناصر دیگری که تصور می‌شوند، به تبیین مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآن کریم می‌پردازیم.

۳. عناصر و مؤلفه‌های سازنده سعادت در قرآن کریم

بر اساس بینش قرآنی که انسان را از یک سو مرکب از روح و جسم می‌داند (سجده: ۹۷؛ حجر: ۲۹، ۲۸؛ ص: ۷۲، ۷۱) و از سوی دیگر، حیات او را به همین دنیا محدود ندانسته و سرای آخرت را نیز محل زندگی او دانسته و حتی حیات حقیقی را در سرای دیگر معرفی می‌کند (عنکبوت: ۶۴)، سعادت انسانی نیز در هر دو بعد دنیوی و اخروی قابل تصویر است؛ از این رو، باید مؤلفه‌های سعادت را در دو عرصه دنیوی و اخروی پیگیری کرد. به نظر می‌رسد در نگرش قرآن کریم، مؤلفه‌های سعادت بسیار گسترده است و در پرتو رابطه انسان با خداوند متعال که هستی بی‌نهایت است، معنا می‌یابد و از این منظر، هستی انسان، سعادت انسان و سرنوشت انسان از مکاتب بشری و الحادی که انسان را به همین زندگی ناچیز دنیوی محدود می‌کنند، کاملاً متمایز است. تصور می‌شود که مؤلفه‌های سعادت انسانی از دیدگاه قرآن کریم را بتوان در سه دسته، طبقه‌بندی کرد؛ مؤلفه‌های عام که شامل حیات انسان در دنیا و آخرت است، مؤلفه‌های سعادت انسان در دنیا و مؤلفه‌های سعادت انسان در آخرت. بنابراین، این مؤلفه‌ها را در این سه طبقه بررسی می‌کنیم.

۱،۳. مؤلفه‌های سعادت دنیوی

چنانکه اشاره شد، قرآن کریم حیات انسان را در دو مرحله حیات دنیوی و اخروی به تصویر می‌کشد که سعادت در هر دو مرحله معنا می‌یابد. سعادت انسان در دنیا علاوه بر مؤلفه‌هایی که مشترک در دنیا و آخرت است و بحث آن خواهد آمد، مؤلفه‌هایی دارد که مختص همین سعادت دنیوی است، هرچند که به طور کامل، بی‌ارتباط با حیات و سعادت اخروی او به حساب نمی‌آید. پاره‌ای از این مؤلفه‌ها به حیات فردی هر انسان مربوط است و پاره‌ای دیگر، عناصر سعادت در عرصه اجتماعی است. در این مجال به اختصار، مؤلفه‌های مختص سعادت دنیوی را بررسی می‌کنیم.

۱،۱،۳. سلامت جسمانی و روحانی

تردیدی نیست که سلامتی از مهم‌ترین عناصری است که بدون آن، احساس سعادت و خوشبختی چندان معنا ندارد. قرآن کریم افزون بر توجه به امور معنوی و روحانی، به امور مادی نیز توجه دارد و یکی از مسائل مهمی که به نظر می‌رسد قرآن کریم به آن توجه کرده است، سلامت است که در هر دو بعد سلامت جسمانی و روحانی به تصویر کشیده است. در باب سلامت جسمانی، یکی از مهم‌ترین آیاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، آیات سوره بقره است:

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ (بقره: ۲۴۷)؛ و پیامبرشان به آنان گفت در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است... در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده.

در این آیه، به برتری علمی و نیز جسمی طالوت اشاره شده است. بدون شک، برتری جسمی، برتری مطلق به حساب نمی‌آید، اما به مثابه یکی از مؤلفه‌های سعادت انسانی مورد توجه است. چنانکه در آیات دیگر، به تأثیر برخی خوراکی‌ها از جمله عسل بر سلامت جسم و اثر شفابخش آن (نحل: ۶۹) و نیز به بیماری انسان و شفا یافتن انسان از سوی خداوند (شعراء: ۸۰) توجه شده است. قرآن کریم، افزون بر توجه به سلامت جسم، به سلامتی روحانی و معنوی

نیز توجه کرده و بدترین بیماری را بیماری دل و روان دانسته است (ر.ک. بقره: ۱۰؛ انفال: ۴۹؛ توبه: ۱۲۵؛ نور: ۵۰؛ احزاب: ۱۲ و ۳۲).

۲.۱.۳. بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی و مادی

قرآن کریم نه تنها استفاده از نعمت‌های مادی و دنیوی را نکوهش نکرده است، بلکه بر بهره‌مندی از آن‌ها تأکید می‌کند. آیه‌ی «وَأَتَّبِعْ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷)؛ در آنچه خدا به تو عطا کرده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود از دنیا را فراموش مکن، در عین حال که بر آخرت جویی تأکید ورزیده است، بر سهم و بهره‌ی دنیوی نیز تأکید می‌کند. بنابراین، بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی نیز یکی از مؤلفه‌های سعادت است؛ چنانکه در آیات دیگر، با تفصیل بیشتری به نعمت‌هایی چون همسر، پوشاک، خوراک، ثروت، زینت و ... پرداخته شده است. درباره، همسر، قرآن، تأکید دارد که همسر مایه آرامش انسان است (اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۱) و در برخی از آیات، همسران و فرزندان را مایه چشم‌روشنی دانسته است (فرقان، ۷۴) و البته همسران، فرزندان و نوادگان را در زمره نعمت‌های الهی بر بندگان شمرده است (نحل: ۷۲). درباره لباس و پوشاک نیز هم بر جنبه حجاب و پوشانندگی آن تأکید شده و هم بر زینت بودن آن (اعراف: ۲۶). درباره زینت، قرآن کریم، افزون بر اشاره به زینت‌هایی چون زینت استخراج شده از دریا (نحل: ۱۴؛ فاطر: ۱۲)، نه تنها بر مباح بودن و نامشروع نبودن زینت، تصریح کرده است (اعراف: ۳۲)، بلکه بر استفاده از زینت در برخی مکان‌ها، مانند مسجد فرمان داده است (اعراف: ۳۱). البته قوانینی برای استفاده بانوان از زینت نیز قرار داده است (نور: ۳۱). از این میان، آیه «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲)، بیشتر مورد توجه نگارنده است که تصریح دارد زینت‌های دنیوی، برای مؤمنان است و مؤمنان مجازند از این زینت‌ها در همین دنیا استفاده کنند و در همین آیه بر استفاده از روزی‌های طیب و پاکیزه برای مؤمنان در همین دنیا تأکید شده است. همچنین، قرآن کریم نه تنها ثروت و تلاش برای دست‌یابی به ثروت را سرزنش نکرده، بلکه ثروت و مال را امداد الهی برای مؤمنان دانسته است

(نوح: ۱۲؛ اسراء: ۶) و مکرر بر جهاد به واسطه اموال، در کنار جهاد به واسطه جان، تأکید ورزیده است (ر.ک. صف: ۱۱؛ انفال: ۷۲؛ توبه: ۲۰) و به خصوص ثروتمندانی را که سهمی از ثروت خود را به مستمندان می دهند و آن را در راه خدا انفاق می کنند، ستوده است (بقره: ۲۶۵، ۲۶۱ و ۲۷۴؛ نساء: ۳۴؛ ذاریات: ۱۹؛ معارج: ۲۴). البته این نکته شایان ذکر است که آیات بسیاری در مذمت مال دوستی و دلبستگی به ثروت وجود دارد که به طور عمده، ناظر به کافران و منافقان است که به اموالشان دل خوشند و برخورداری از ثروت و نعمت های دنیوی را وسیله ی برتری جویی و نیز ابزار مبارزه با مؤمنان و پیامبران قرار می دادند (ر.ک. توبه: ۵۵، ۸۱، ۸۵؛ انفال: ۳۶؛ یونس: ۸۸).

۳، ۱، ۳. قدرت و حکومت و پیروزی بر دشمن

عنصر دیگری که می توان آن را از مؤلفه های سعادت در دنیا به شمار آورد و البته جنبه اجتماعی دارد، دست یافتن به قدرت و حکومت و پیروزی بر دشمن است. قرآن کریم از قدرت و مکت «ذوالقرنین» در زمین یاد کرده و آن را همچون نعمتی از پروردگار خوانده است (کهف: ۸۵ و ۹۵). همچنین از حکومت صالحان و یاوران خدا در روی زمین سخن به میان آورده که ثمره آن اقامه نماز، اتیان زکات و امر به معروف و نهی از منکر است (حج: ۴۱). درباره مسلمانان نخستین نیز از وعده الهی به آنان در برپایی حکومت و اقامه دین و تبدیل خوف و هراس آنان به امنیت سخن گفته است (نور: ۵۵). قرآن کریم در خصوص پیروزی بر دشمن در قضیه حضرت موسی علیه السلام و فرعون از رستگاری و فلاحی کسی سخن گفته که به پیروزی می رسد: «وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَىٰ» (طه: ۶۴)؛ در حقیقت امروز هر که فایق آید خوشبخت می شود و البته بلافاصله، به حضرت موسی علیه السلام وعده می دهد که وی پیروز میدان خواهد شد: «قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ» (طه: ۶۸)؛ گفتیم مترس که تو خود برتری.

۳، ۱، ۴. نجات از ظلم و حکومت ظالمان

نجات مؤمنان از ظلم ظالمان و حکومت ستمگران از ویژگی های مهم سعادت است. کلیدواژه «نجات» که خود از واژگان مرتبط و ملازم با سعادت است، درباره نجات مؤمنان

از ستم ستمگران و حکومت ظالمان است. خداوند متعال در قرآن کریم، درباره بنی اسرائیل و نجات آنان از ستم فرعونیان (بقره: ۵۱، ۴۹؛ اعراف: ۱۴۱؛ ابراهیم: ۶؛ طه: ۸۰) و نیز نجات شخص حضرت موسی علیه السلام از فرعون و گروه ستمکار فرعونی (قصص: ۲۵)، نجات همسر فرعون از ستم فرعون و قوم ستمگر او (تحریم: ۱۱) سخن گفته است. برای نمونه، در سوره عنکبوت آیه ۲۴، درباره نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از ظلم قوم ستمکار می فرماید:

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛

بعد از این همه نصایح و اندرز ابراهیم) باز قوم جز آنکه گفتند: او را بکشید و در آتش بسوزانید پاسخ ندادند، و خدا او را از آتش (نمرودیان) نجات داد. در این حکایت برای قومی که به خدا ایمان آرند آیهایی (از قدرت الهی) پدیدار است.

۵، ۱، ۳. جامعه صالح

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت در دنیا وجود جامعه‌ای صالح و برخورداری افراد از چنین جامعه‌ای است. در قرآن کریم جامعه‌ای صالح، «خیر امه» نامیده شده است و چنانکه گذشت، «خیر» مفهومی محوری در سعادت است و سعادت با خیر تعریف می‌شود. قرآن کریم، جامعه ایمانی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را خطاب قرار داده و آن جامعه را «خیر امه» و بهترین جامعه خوانده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید». فرمان دادن اعضای جامعه به یکدیگر نسبت به انجام کارهای پسندیده و صحیح و بازداشتن از کارهای ناپسند و ایمان به خداوند متعال، از خصوصیات جامعه سعادت‌مند است که آن را شایسته عنوان «خیر امه» قرار می‌دهد. اصل ایمان که از خصوصیات این جامعه صالح ذکر شده است که از مؤلفه‌های اصلی سعادت در دنیا و آخرت به شمار می‌رود.

۲، ۳. مؤلفه‌های سعادت اخروی

افزون بر مؤلفه‌های سعادت‌های دنیا، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارند که مختص سعادت در سرای آخرتند. به طور قطع زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت، قابل قیاس نیست و قرآن کریم، اصل زندگی انسان را زندگی اخروی او می‌داند و زندگی دنیوی را بیشتر سرگرمی به حساب می‌آورد: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴)؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می‌دانستند». سعادت اصلی و مطلق که قرآن کریم ترسیم می‌کند، سعادت اخروی است و سعادت دنیوی، سعادت نسبی است؛ از این رو، مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآن مجید، مؤلفه‌های مشترک در دنیا و آخرت و نیز مؤلفه‌های اخروی است. در این مجال، مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت در آخرت را از منظر قرآن کریم، بررسی می‌کنیم.

۱، ۲، ۳. نجات از عذاب و ورود به بهشت

قرآن کریم تصریح دارد که کسی که بتواند در آخرت از دوزخ نجات یابد و وارد بهشت شود، به سعادت و فوز رسیده است (آل عمران: ۱۸۵)؛ بنابراین، رهایی از دوزخ و دست یافتن به بهشت، مؤلفه‌ی مهم سعادت در آخرت است. در آیات بسیاری، بر سعادت‌مندی کسانی که به بهشت راه می‌یابند، تأکید شده است (ر.ک. توبه: ۷۲ و ۸۹، نساء: ۱۳؛ مائده: ۱۱۹). قرآن کریم از یک سو، تصریح دارد که از هرکس از عذاب روز قیامت دور شود، مورد رحمت الهی قرار گرفته و به سعادت و فوز مبین دست یافته است (انعام: ۱۶، ۱۵) و از دیگر سو نیز تأکید دارد که اگر کسی اهل عذاب دوزخ شد، به فوز و سعادت نمی‌رسد:

﴿أَخْسَبْنَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْتَهُمْ بِمَفَازَةٍ
 مِنَ الْعَذَابِ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۸۸)؛

البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهند داشت.

۳، ۲، ۲. برخورداری از حیات جادوانه و نعمت‌های بهشتی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت اخروی، برخورداری از حیاتی جادوانه و همراه با نعمت‌های ویژه‌ی بهشتی است که در آیات بسیاری بر آن تأکید شده است. قرآن کریم تأکید دارد که حیات دنیوی زودگذر، سرگرمی و بازیچه است و حیات حقیقی در آخرت است (عنکبوت: ۶۴). حیات اخروی که در بهشت برای مؤمنان فراهم است، حیاتی جادوانه و برخوردار از نعمت‌های جادوانه و بی‌پایان برای اهل بهشت است. قرآن کریم، این حیات متنعم از نعمت‌های ویژه بهشتی را سعادت‌مندانه و انسان برخوردار از آن را سعادت‌مند می‌داند. قرآن کریم تأکید دارد که آنانی که شقی هستند، در دوزخ خواهند بود، اما آنانی که سعادت‌مندند، در بهشت جادوانی به سر می‌برند (هود: ۱۰۶-۱۰۸). خداوند، برای سعادت‌مندی که در بهشت از نعمت‌های ویژه بهشتی برخوردارند، نعمت‌های بسیاری همچون باغ‌هایی که از زیر آن، نهرها جاری است، همسرانی پاکیزه (آل عمران: ۱۵)، تخت‌های جواهرنشان، خادمان جوان و خوش چهره، میوه‌های دلخواه و تمام‌نشدنی، گوشت پرنده‌گانی دلچسب، حوریانی زیباروی و سایه سارهای خوشگوار (واقعیه: ۱۲-۳۸؛ انسان: ۲۱۱؛ دخان: ۵۵، ۵۱) وعده داده است، چنان‌که در آیاتی دیگر، چیزی افزون بر این نعمت‌ها را نیز وعده داده است که به نظر می‌رسد برای بشر قابل تصور نیست:

﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (یونس: ۲۶)؛

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و زیاده بر آن دارند و تاریکی و ذلت چهره هایشان را نمی‌پوشاند آنها یاران بهشتند و جادوانه در آن خواهند ماند.

۳، ۲، ۳. سنگینی ترازوی اعمال

سنگینی ترازوی اعمال، یکی از مؤلفه‌هایی است که قرآن کریم برای سعادت در سرای آخرت ذکر کرده است. با صرف نظر از حقیقت و مفهوم «میزان» و ترازو در قیامت، آن چه که در چند آیه از قرآن کریم، به مثابه عنصری دخیل در سعادت و فلاح به آن اشاره شده است، ثقل موازین است. قرآن کریم در دو آیه (اعراف: ۸؛ مؤنون: ۱۰۲)، تصریح کرده است که هرکس دارای

موازین سنگین در قیامت باشد، مفلح است. فلاح مرادف سعادت یا دست‌کم از لوازم آن است. همچنین، در آیه‌ای دیگر، سخن از این مطلب در میان است که هرکس موازین سنگین داشته باشد، در زندگی رضایت‌مندان خواهد بود: «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»؛ او در زندگی رضایت‌بخشی خواهد بود» (قارعه: ۷).

۴، ۲، ۳. شادمانی و سرور ویژه اخروی

سرور و شادمانی اخروی، از موضوعاتی است که قرآن کریم در چند آیه از آن سخن گفته است. خداوند در سوره‌ی انسان از شادمانی و سروری که خداوند به انسان‌های سعادت‌مند در آخرت ارزانی داشته است، سخن به میان آورده (انسان: ۱۲) و در جاهایی دیگر، به چهره شاداب و مسرور آنان اشارت کرده است (قیامت: ۲۲؛ مطففین: ۲۴). همچنین در آیاتی دیگر، از سرور و شادمانی اهل بهشت سخن به میان آورده است که البته نشان‌گویای سعادت است (انشقاق: ۹، ۷). همچنین از شادمانی شهیدان راه خدا که به سعادت والا رسیده‌اند، سخن به میان آورده است:

﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۷۰، ۱۷۱)

به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباہ نمی‌گرداند شادی می‌کنند.

بنابراین، سرور و شادمانی در آخرت، یکی دیگر از مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآن کریم است.

۵، ۲، ۳. قرب الی الله

شاید بتوان بالاترین درجه سعادت در آخرت را قرب الی الله دانست. هرچند که قرب

الی الله، ویژه‌ی حیات اخروی نیست و نمود آن در سرای آخرت بیشتر است و در قرآن کریم، با تعبیرهای گوناگونی ذکر شده است. در برخی آیات، سخن از ملاقات با پروردگار در میان است (بقره: ۴۶؛ هود: ۲۹؛ انشقاق: ۶). برخی دیگر از آیات، کافران را به دلیل اینکه منکر لقاء الله هستند یا به آن امید ندارند، سرزنش کرده (ر.ک. انعام: ۳۱؛ یونس: ۷ و ۱۱) و از سویی دیگر، مؤمنان را به لقاء الله امیدوار ساخته (انعام: ۱۵۴؛ رعد: ۲؛ کهف: ۱۱۰) و یا آنان را به لقاء الله بشارت داده و ستوده است (احزاب: ۴۴؛ بقره: ۴۶ و ۲۲۳). در آیات دیگری، سخن از «عند الله» یا «عند رب» است که خداوند متعال از اجری که برای مؤمنان نزد آن حضرت است (ر.ک. بقره: ۱۱۲، ۲۶۲، ۲۷۴ و ۲۷۷؛ آل عمران: ۱۹۹)، یا از درجاتی که مؤمنان نزد خداوند دارند، سخن گفته است (انفال: ۴). در عمده این آیات، سخن از این است که مؤمنان نزد خداوند نه گرفتار خوفند و نه مبتلا به اندوه و حزن. تردیدی نیست که اگر انسانی مقرب نزد پروردگار باشد، هیچگونه خوف، هراس، نگرانی و اندوهی نداشته و در بالاترین درجه سعادت قرار دارد. در این میان، به نظر می‌رسد دو آیه از همه جالب‌تر است. نخست، آیه «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۷) است که تصریح دارد مؤمنان در سرای سلامت نزد پروردگارشان هستند و خداوند ولایت و سرپرستی آنان را به عهده دارد و دوم، آیه «وَيَبْسُرُ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (یونس: ۲) است که مؤمنان را به حضور و قدمی صادقانه نزد پروردگار بشارت داده است. این دو آیه، نشانه‌ی اوج سعادت مؤمنان در جوار رحمت و قرب الهی است.

۳.۳. مؤلفه‌های مشترک سعادت در دنیا و آخرت

افزون بر اموری که در بینش قرآنی، در دنیا یا آخرت، مؤلفه سعادت انسانی هستند، اموری نیز به طور مطلق در دنیا و آخرت، جزو مؤلفه‌های سعادت بشری به حساب می‌آیند؛ اموری که هرچند در سرای آخرت ممکن است نمود و بروز بیش‌تری داشته باشد، اما در دنیا نیز انسان با بهره‌مندی از آن‌ها، احساس نیکبختی و سعادت خواهد داشت و در آخرت نیز سعادت او راقم خواهند زد. در این مجال، به مهم‌ترین مؤلفه‌های عام سعادت انسانی از منظر قرآن کریم که اختصاص به دنیا و آخرت ندارد، خواهیم پرداخت.

۳، ۱، ۳. برخورداری از ایمان و حیات مؤمنانه

چنانکه اشاره شد، دو واژه فوز و فلاح از واژگانی است که در قرآن کریم به کار رفته و می‌توان آن‌ها را از مهم‌ترین و شامل‌ترین عناصر سعادت ایمان و حیات مؤمنانه دانست. پاسخ مؤمنانه به دعوت خدا و پیامبر ﷺ و مشی بر اساس این دعوت، حیات انسانی را به حیاتی مؤمنانه و خدامحورانه مبدل می‌سازد و سعادت انسان نیز در زیستن مؤمنانه است. آیات سوره نور بیان می‌کنند که تبعیت و اطاعت از دعوت و دستور خدا و رسول او که همان زیست مؤمنانه است، باعث رستگاری و فوز و فلاح است و سعادت انسانی را به ارمغان می‌آورد:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (نور: ۵۲، ۵۱)؛ گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند تنها این است که می‌گویند شنیدیم و اطاعت کردیم اینانند که رستگارند و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد و از خدا بترسد و از او پروا کند آنانند که خود کامیابند.

این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که این دو آیه را در کنار آیه‌ای دیگر قرار دهیم که دعوت خدا و پیامبر ﷺ را همان دعوت به چیزی می‌داند که مایه حیات است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید». آشکار است که مهم‌ترین عنصر سعادت و بلکه پایه سنگ آن، حیات است و بدون حیات، سعادت مفهومی ندارد؛ از این رو، از منظر قرآن کریم، حیات مؤمنانه و زیستن بر اساس دعوت و فرمان خدا و رسول ﷺ، مؤلفه مهم سعادت انسانی است که هم در دنیا و هم در آخرت، سعادت انسان را به دنبال خواهد داشت. همچنین خداوند متعال در آیه‌ای دیگر (توبه، ۸۸)، ایمان به پیامبر ﷺ و جهاد در راه آن حضرت را مایه خیر و فلاح معرفی کرده است. دو کلیدواژه خیر و فلاح هر دو با سعادت مرتبطند.

در راستای همین بحث از ایمان و حیات مؤمنانه، تقوای الهی و عمل صالح را نیز باید مد

نظر داشت که در آیات بسیاری بر آن تأکید شده و برخورداری از تقوا و انجام کارهای شایسته، از عناصر مهم سعادت انسانی تلقی شده است (بقره: ۱۸۹). خداوند در برخی آیات وعده همراهی با متقیان را داده (بقره: ۱۹۴) و افزون بر آن، در حیات اخروی نیز به اهل تقوا افزون بر بهشت و همسرانی پاکیزه، رضوان الهی را نیز پاداش تقوا تعیین کرده است (آل عمران: ۱۵).

۳، ۳، ۲. بهره‌مندی از فضل و رحمت الهی

بهره‌مندی از فضل و رحمت الهی، مؤلفه‌ی دیگر سعادت که اختصاصی به دنیا یا آخرت ندارد، است. اگر سعادت را با خیر مرتبط بدانیم، بالاترین خیری که نصیب انسان خواهد شد، فضل و رحمت الهی است که بر اساس برخی آیات قرآنی (هود: ۱۱۹)، اساس آفرینش انسان بر پایه رحمت الهی بوده است؛ از این رو، همه انسان‌ها که از رحمت و فضل عام الهی برخوردار شده و پا به جهان آفرینش نهاده‌اند، از سعادت سهمی دارند. اما مرتبه دیگری از سعادت که سعادت اکتسابی است، در حقیقت برخوردار شدن از فضل و رحمت ویژه الهی است که شامل حال مؤمنان است. در آیه‌ای ۵۸ سوره یونس هر دو کلیدواژه رحمت و فضل الهی به کار برده شده است که این فضل و رحمت الهی، مایه شادمانی دانسته شده است. چنان‌که در آیات بسیاری دیگر، نجات از عذاب و گرفتاری‌ها در دنیا و آخرت به مثابه اثر رحمت الهی ذکر شده است (ر.ک. بقره: ۶۴؛ نساء: ۸۳ و ۱۱۳) و در آیات دیگر، برخورداری از نعمت‌های مادی و معنوی نیز فضل و رحمت الهی شمرده شده است (ر.ک. بقره: ۱۰۵؛ یونس: ۵۸؛ نحل: ۱۴).

۳، ۳، ۳. رضامندی و دست‌یابی به رضوان الهی

عنصر دیگری که می‌توان آن را شالوده‌ای برای سعادت از منظر قرآنی به شمار آورد، رضامندی است. این رضامندی، دارای دو جنبه است: رضایت و خوشنودی انسان از خداوند متعال و مسیری که او، انسان را در آن قرار داده و نعمت‌ها و شکل حیاتی که او برای انسان رقم زده است و نیز رضامندی خداوند متعال از حرکت، عقیده و عمل انسان. یکی از اثرگذارترین تعبیرات قرآنی درباره مؤمنان که در چند آیه از قرآن کریم تکرار شده است، تعبیر ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا

عَنْهُ؛ خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند، است که در آیات سوره‌های متعدد به کار رفته است (مائده: ۱۱۹؛ توبه: ۱۰۰؛ مجادله: ۲۲؛ بینه: ۸). در این آیات، دست یافتن به بهشتی جاودانه که خداوند متعال برای مؤمنان مهیا ساخته، از لوازم این رضامندی دانسته شده است و البته در سوره مائده و توبه به این نکته نیز اشاره شده است که این رسیدن به مقام رضایت از خداوند متعال و نیز رضایت خداوند متعال، «فوز عظیم» است. در سوره مجادله، بیان شد است که مؤمنانی که به این مقام رسیده‌اند، «حزب الله» و «مفلحان» هستند. همان طور که در بخش واژگان مرادف یا مرتبط با سعادت مطرح کردیم، فوز و فلاح جزو مهم‌ترین واژگانی هستند که می‌توان آن‌ها را مرادف سعادت دانست.

دسته‌ای دیگر از آیات، دست یافتن به مقام رضوان الهی را بزرگ‌تر و والاتر از دست یافتن به بهشت معرفی کرده‌اند و البته افزون بر بهشت، رضوان الهی برای مؤمنان را وعده داده‌اند (توبه: ۷۲). یکی از مشهورترین آیاتی که با رضایت و رضامندی مرتبط است و هر دو جنبه رضایت انسان مؤمن از پروردگار و رضایت پروردگار از او را بیان می‌کند و با زبان ستایش، انسان مؤمن را خطاب می‌سازد، آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر هستند: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ ای نفس مطمئنه، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو». این عبارات سرشار از شوق لقای پروردگار با نفس سعادت‌مندی است که به مقام یقین و اطمینان به پروردگارش رسیده است. خداوند او را به گونه‌ای مشتاقانه خطاب کرده و با دو وصف «راضیه» و «مرضیه» خطاب می‌کند که وصف نخست، ناظر به مقام رضایت انسان به پروردگار متعال و طرح و برنامه الهی برای حیات او و وصف دوم، ناظر به خوشنودی و رضایت خداوند مهربان از سیر و سلوک و بندگی او است. در هر حال، به نظر می‌رسد رضایت‌مندی از خداوند متعال و نیز رضایت خداوند متعال از انسان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت است که افزون بر آیات پیش‌گفته، در آیات بسیاری به آن اشاره شده است (ر.ک. بقره: ۲۰۷ و ۲۶۵؛ نساء: ۱۱۴؛ آل عمران: ۱۵، ۱۶۲ و ۱۷۴؛ مریم: ۶ و ۵۵؛ طه: ۱۰۹؛ فتح: ۱۸).

۳، ۴. دست‌یابی به هدایت الهی

یکی از مهم‌ترین ارکان سعادت انسان از دیدگاه قرآن کریم، دست‌یافتن به هدایت الهی است. قرآن کریم، مؤمنان را که به هدایت الهی دست یافته‌اند، مفلح و سعادت‌مند می‌داند (بقره، ۵). بر اساس آیات پرشماری در قرآن کریم، هدایت الهی به اشقیاء نمی‌رسد و تنها شامل صالحان می‌شود که می‌توان از دید قرآنی، آنان را همان سعادت‌مندان دانست. یکی از آیاتی که می‌توان آن را شاهی بر این موضوع دانست آیه ۹ و ۱۰ سوره یونس است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَجْرٌ دَعَاؤُهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغهای [پر ناز و] نعمت که از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود. نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم [=خدایا تو پاک و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان این است که الحمد لله رب العالمین.

۳، ۵. برخورداری از یقین و اطمینان

یکی دیگر از نکاتی که می‌توان آن را از مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآنی دانست، برخورداری از یقین و اطمینان درونی و آرامش ذهنی و روانی است که در آسایش انسان نقش زیادی دارد. قرآن کریم تأکید دارد که مؤمنانی که اهل سعادت در دنیا و آخرتند، به مقام یقین و اطمینان دست یافته‌اند. افزون بر آیات ۲۷-۳۰ سوره فجر که پیش‌تر بحث شد و در آن از «نفس مطمئنه» سخن به میان آمد، در آیات دیگری به عنصر یقین و اطمینان اشاره شده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبْرَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ ظُلُمَاتٍ خَدَّيْهِمْ وَمِنْ ظُلْمٍ أَعْيُنُهُمْ وَأَجْمَعِهِمْ كَسْفًا﴾ (رعد، ۲۸-۲۹)؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند خوشا به حالشان و خوش سرانجامی دارند.

خداوند در این آیه به عنصر اطمینان قلبی مؤمنان اشاره کرده و البته آنان را ستوده و سرانجام‌شان را نیک اعلام داشته است.

۳، ۳، ۶. شادمانی و نشاط

یکی از عناصر مهمی که به نظر می‌رسد انسان به طور فطری به دنبال آن است، نشاط و خرسندی است و انسانی که شادمان است، خود را سعادتمند می‌یابد. انسان‌ها از اندوه و رنج بیزارند و همواره به دنبال شادی روانند. قرآن کریم نیز با واژگان گوناگون به این عنصر اشاره کرده و آن را نشانه سعادت دانسته است؛ واژگانی چون فرح، سرور و نضر که همگی حکایت از شادمانی و خوشحالی دارند. خداوند در آیه‌ای (یونس، ۵۸) با استفاده از کلیدواژه «فرح»، بیان می‌کند که باید به فضل و رحمت الهی شادمان بود. در جایی دیگر از فرح و شادمانی کشته شدگان در راه خدا، سخن به میان آمده است (آل عمران: ۱۷۰). همچنین در آیه «فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (انسان، ۱۱)؛ پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت»، با استفاده از دو کلیدواژه «نضره؛ شادابی» و «سرور؛ شادمانی» به این مؤلفه اساسی اشاره کرده است. این موضوع در آیات دیگری از قرآن بحث شده است که به اهمیت آن می‌افزاید (ر.ک. قیامت: ۲۲؛ انشقاق: ۹؛ مطففین: ۲۲-۲۴). البته باید توجه داشت که قرآن کریم، هرگونه شادمانی و نشاط را نشانه‌ی سعادت نمی‌داند، بلکه مقصود، نشاطی پایدار و منبعت از ایمان و اعمال فضل و رحمت الهی است که می‌توان آن را سعادت تلقی کرد. بر این اساس، قرآن کریم، شادمانی به ناحق کافران و منافقان در دنیا به متاع دنیوی و نیز کارهای ناشایست آنان را نکوهش کرده است و آن را نشان سعادت تلقی نکرده است (آل عمران، ۱۲۰؛ توبه، ۵۰ و ۸۱؛ غافر، ۷۵).

۳، ۳، ۷. برحذر بودن از ناپاکی‌ها (رجس) و دست‌یابی به حیات طیبه

دور بودن و برحذر بودن از ناپاکی‌ها، زشتی‌ها و برخورداری از حیاتی طیب و طاهر و پاکیزه یکی دیگر از مؤلفه‌های سعادت است. از منظر قرآنی، برخورداری از نعمت‌های دنیوی و دست‌یافتن

به شادکامی از هر رهگذری، مایه سعادت نیست، بلکه آن چه سعادت انسان را تضمین می‌کند، حیات پاکیزه و دست‌یابی به طهارت است. از همین رو، چه در دنیا و چه در آخرت، سعادت‌مند واقعی کسی است که از ناپاکی‌ها به دور باشد. قرآن به مؤمنان دستور داده است از ناپاکی‌هایی چون شراب، قمار، بت‌پرستی و بخت‌آزمایی دوری‌گزینید و این دوری‌گزیدن را مایه‌ی فلاح و سعادت دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰)؛ بازدید کننده گرامی چنانچه تمایل دارید، شما هم می‌توانید تفسیر ای در سایت ثبت کنید، تا با نام خودتان ثبت و در سایت نمایش داده شود. آشکار است که این امور هرچند ممکن است مایه‌ی لذت و شادکامی مقطعی باشند، اما در باطن، ناپاک و پلیدند و سعادت به ارمغان نمی‌آورند. از همین رو، قرآن کریم بر استفاده از طیبات و پرهیز از رجس و خبیث و نیز پرهیز از آلودن طیب به خبیث به طور مکرر تأکید کرده است (ر.ک. بقره: ۵۷، ۱۶۷، ۱۷۲ و ۲۶۷؛ آل عمران: ۱۷۹؛ نساء: ۲؛ مائده: ۴ و ۸۸ و ۱۰۰).

۳، ۳، ۸. علم

برخورداری از دانش از جمله دیگر مؤلفه‌های سعادت است که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده است. با صرف نظر از ماهیت این علم - که باید در جای خود، مورد بحث قرار گیرد-، قرآن کریم بر دانش و علم تأکید دارد و آن را ملاک امتیاز قرار می‌دهد. یکی از مشهورترین آیاتی که به این نکته توجه می‌دهد، آیه ۱۱ مجادله است: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آن چه می‌کنید، آگاه است». در این آیه، علم ملاک فزونی درجات قرار گرفته است، چنان‌که خداوند در آیه ۹ سوره‌ی زمر نیز بر برابر نبودن آگاهان با ناآگاهان تأکید ورزیده است. در این دو آیه، هرچند از سعادت سخن به میان نیامده است، اما از آن جا که علم را ملاک فزونی درجه تلقی کرده و سعادت همان خیر است و علم نیز بالاترین خیر یا دست‌کم رتبه بالایی در خیریت دارد، می‌توان آن را از مؤلفه‌های سعادت از منظر قرآنی به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

سعادت از مهم‌ترین آرمان‌ها و دغدغه‌های بشری است که مکاتب فکری گوناگون پیوسته درباره‌ی آن سخن گفته‌اند. همان‌گونه که درباره ماهیت انسان، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، درباره سعادت او و مؤلفه‌ها، عوامل و موانع آن نیز دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد. از دیدگاه دانشمندان و فیلسوفان برجسته‌ای چون افلاطون، ارسطو و فارابی، سعادت با مفاهیمی چون خیر، کمال، فضیلت، عقلانیت، لذت، شادمانی، کامیابی و موفقیت در زمینه‌های گوناگون مادی و روحانی از جمله در کسب نیک‌نامی، ثروت، سلامت و غیر آن‌ها پیوند دارد. در نظر بسیاری از لغت‌دانان و مفسران قرآن کریم نیز سعادت امری در مقابل نحوست و شقاوت است و با مفاهیمی هم چون میمنت ارتباط دارد؛ بنابراین در بررسی مؤلفه‌های سعادت در قرآن کریم نیز باید به سراغ همین مفاهیم رفت تا بتوان به مؤلفه‌های سعادت دست یافت.

نگارنده در این نوشتار به بررسی به مؤلفه‌های سعادت در قرآن کریم پرداخته است. از آن جا که در قرآن کریم، زندگی انسان به این زندگی محدود دنیوی، خلاصه نمی‌شود و حیات دیگری در سرای آخرت نیز وجود دارد، نگارنده این مؤلفه‌ها را در سه دسته‌ی مؤلفه‌های سعادت در دنیا، مؤلفه‌های سعادت در آخرت و مؤلفه‌های مشترک میان سعادت دنیوی و اخروی در قرآن مجید به بحث نهاده است. سلامت جسمانی و روحانی، بهره‌مندی از نعمت‌های گوناگون دنیوی و مادی، برخورداری از قدرت و حکومت و پیروزی بر دشمن، نجات از ظلم و حکومت ظالمان و برخورداری از جامعه‌ای صالح از مهم‌ترین مؤلفه‌های سعادت در دنیا از منظر قرآن کریم است. نجات از عذاب جهنم و ورود به بهشت، برخورداری از حیاتی جاودانی و نعمت‌های بهشتی، سنگینی ترازوی اعمال، شادمانی و سرور ویژه در آخرت و قرب الی الله نیز از مؤلفه‌های سعادت در آخرت، در منظر قرآنی است. همچنین برخورداری از ایمان و حیاتی مؤمنانه، بهره‌مندی از فضل و رحمت الهی، بهره‌مندی از رضامندی و رضوان الهی، دستیابی به هدایت الهی، برخورداری از یقین و اطمینان، شادمان، شادی، نشاط و خرسندی، برحذر بودن از ناپاکی‌های و دستیابی به حیات طیبه و برخورداری از علم و دانش نیز از مؤلفه‌های مشترک سعادت در دنیا و آخرت در دیدگاه قرآن کریم است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن فارس، احمد. معجم مقاییس اللغه، قم: مکتبه اعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ۲. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد. تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت: دار صادر، بی تا.
 ۴. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
 ۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن کریم، بی جا: دارالمعروف، بی تا.
 ۶. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۰ق.
 ۷. طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ق.
 ۸. طوسی، محمد بن محمد. اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۶.
 ۹. عامری، ابوالحسن. السعاده و الاسعاده فی السیره الانسانیه، به اهتمام مجتبی مینوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
 ۱۰. فارابی، ابونصر محمد. آراء اهل المدینه الفاضله، تحقیق البیر نصری نادر، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۶۸م.
 ۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
 ۱۲. فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر، قم: دارالهجره، ۱۴۲۵ق.

